

تحولات ادبی ایران و وضع امروز آن

دکتر ریاحی

چندی پیش، بنا به دعوت دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، آقای دکتر ریاحی رایزن فرهنگی سفارت شاهنشاهی در ترکیه طی یک سخنرانی که بزبان ترکی ایراد کردند تحولات ادبی ایران را از دید باز تا کنون مورد بحث قرار دادند. ترجمه سخنرانی مذکور که در حضور بیش از سیصد تن از استادان و دانشجویان ترک ایراد گردیده است در زیر بنظر خوانندگان گرامی میرسد:

قدیم‌ترین آثاری که از زبان و ادبیات فارسی در دست است درست از ۲۵۰۰ سال پیش است آثاری که از آن دوره بازمانده مربوط به دو لهجه ایرانی است:

یکی لهجه شمالی که به قوم ماد تعلق داشت نام آن قوم را یونانیها بصورت مد و مدی تلفظ کرده‌اند و بهمین صورت بزبانهای اروپائی نقل شده است. لهجه جنوبی مربوط بقبائل پارس است که نام آن نیز بوسیله زبان یونانی بصورت پرس بزبانهای اروپائی نقل شده است.

از لهجه شمالی کتاب معروف اوستا باقی مانده و بهمین مناسبت آن لهجه را زبان، اوستائی می‌نامند این کتاب نخستین بار در سال ۱۷۱۱ میلادی بوسیله یک دانشمند فرانسوی بنام آنکتیل دوپرون بفرانسه ترجمه و شناسانیده شد و بعدها به بیشتر زبانها ترجمه گردید و از این راه زبان اوستائی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت. قدیم‌ترین قسمت‌های این کتاب که گانه نام دارد مربوط بقرن هفتم قبل از میلاد است.

از لهجه جنوبی که زبان رسمی سلسله هخامنشی بوده و در قرن ششم پیش از میلاد در ایران رواج داشته کتابی در دست نیست اما ۷۵ سنگنبشته (کتیبه) در دست است که مفصل‌ترین آنها در بیستون و در تخت جمشید نزدیک شیراز است. در این کتیبه‌ها مجموعاً ۴۰۰ ریشه و کلمه اصلی شناخته شده و از این راه گرامر و اصول این زبان روشن شده است.

اختلافات فارسی هخامنشی و لهجه اوستائی فرعی و جزئی است بهمین قدر که میان دو لهجه از یک زبان دیده میشود اما

بنده قبلاً وظیفه دارم که از استاد گرامی جناب آقای پرفسور دکتر عقیق ارزن رئیس ارجمند دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول تشکر کنم که از راه مهمان‌نوازی لطف فرمودند و این فرصت را بمن دادند که در این اجتماع محترم و عالی سخنرانی کنم.

و باز از شما حضار محترم که زحمت قبول فرموده و باینجا برای استماع عرایض بنده تشریف آورده‌اید تشکر میکنم. من در این لحظه در عین حال که سرشار از ذوق و وجد هستم که میخواهم سخن دوست رابگوش دوست برسانم و شمه‌ای از سرگذشت دل‌وجان و ذوق یک برادر را برای برادر دیگر حکایت کنم در عین حال خود را در وضع دشواری حس میکنم. موضوع وسیع است، وقت تنگ است، زبان من ضعیف، و نارساست همچنین بضاعت مزجات است. در مقابل مجلسی است متشکل از فضلا و دانش‌پژوهان.

اما همه اطمینانم به آن مهمان‌نوازی است که سچی ملت عزیز ترک است و من سه سال است که بانواع مختلف از آن برخوردارم و امروز هم میدانم که همان حس موجب خواهد شد که خطاهای مرا نادیده بگیرید.

سخن من درباره وضع امروز ادبیات فارسی است. اما برای روشن شدن موضوع سخن را از زبانهای ایرانی در ۲۵۰۰ سال پیش آغاز خواهم کرد و تحولات این زبان را بازخواهم گفت. اما طبیعی است که درباره هر دو بهمین نسبت که از ما دورتر است و ارتباطش با ادبیات امروز کمتر است سخن کوتاه‌تر خواهد بود و مجموع آنها مقدمه‌ای خواهد بود برای اصل موضوع که وضع امروزی ادبیات فارسی است.

همین امتیاز بعدها هم ادامه پیدا کرده و از نظر لهجه شناسی و زبان شناسی لهجه های ایران بدو دسته شمالی و جنوبی تقسیم شده اند .

از اواسط قرن سوم قبل از میلاد زبان ایرانی تحولاتی پیدا کرده است ؛ زبان پهلوی در دوره امپراطوری اشکانیان و ساسانیان در ایران رواج داشته از این زبان ادبیات وسیعی در دست داریم . یعنی مجموعاً ۲۰۰ جلد کتاب و رساله در دست است که قسمتی از آنها کتب اخلاقی و ادبی و تاریخی و شعری و قسمتی متون و تفسیرهای مذهبی است .

زبان پهلوی تا دو بیست سال بعد از ظهور اسلام نیز در ایران رواج داشته و کتابهایی بدان زبان تألیف گردیده است . زبان پهلوی چون حد فاصل بین زبان های قدیم و زبان فارسی امروزی بوده در اصطلاح علمی آن را « زبان ایرانی میانه » می نامند و امروز دانشجویان دانشکده های ادبیات آن را با سانس فرانسوی میگیرند ، زیرا بزبان فارسی امروز بسیار نزدیک است و حتی اگر برای افراد بیسواد هم خوانده شود مطلب را درک می کنند .
دوره اسلامی

بعد از اشاره ای که بعنوان مقدمه بزبانهای پیش از اسلام کردم اکنون درباره آغاز و پیدایش زبان کنونی فارسی باختصار مطالبی عرض میکنم .

در نیمه قرن هفتم میلادی از سال ۶۵ هجری انتشار اسلام در ایران آغاز شد . با از بین رفتن سازمانهای قبلی و انحلال مدارس و مراکز علمی زبان پهلوی دچار فترت شد . نزدیک به دو بیست سال آثار ادبی مهمی بوجود نیامد .

بطوریکه اطلاع دارید در سالهای اول اسلام دفتر و دیوان همه جا بفارسی بود و بعد نوشته ها بعربی درآمد . در ایران با زماندگان و هواداران امپراطوری قبلی بزبان قبلی می نوشتند و حتی کتبی بزبان پهلوی از آن زمان در دست است اما حکام و مأمورین بعربی می نوشتند .

از قرن نهم میلادی ادبیات فارسی جدید یعنی ادبیات زبان امروزی در ایران آغاز شد .

این زبان بعلل زیر غنی تر و وسیع تر از زبان پیش از اسلام بود : از یک طرف لهجه های مختلف شمالی و جنوبی و شرقی و غربی درهم آمیخت . از طرف دیگر با اشاعه و تعمیم دین اسلام لغاتی نیز از زبان عربی وارد فارسی شد .

لغاتی که از زبان عربی وارد فارسی شد ابتدا بیشتر اصطلاحات مذهبی بود از قبیل :

حج - زکات - جهاد - اذان - مؤذن - خلیفه - امام - کعبه - طواف - حلال - حرام نکاح و غیره .

مردم قرآن کریم را میخواندند و ازیر می کردند و شیفته تعلیم عالی و تعبیرات دلنشین آن میشدند و در حرف زدن و نوشتن تیمنا و تبرکات یا روی عادت کلمات آن را بکار میبردند .

بعدها يك قسمت از کلمات اداری هم وارد زبان فارسی شد مثل :

عامل - حاکم - جیش - حرف و ماههای عربی و غیره .
زبان فارسی با این آمیختگی تکامل و قدرت بیشتری برای بیان مفاهیم یافت و استعداد آن را پیدا کرد که عالی ترین شاهکارهای ادبی بنظم و نثر در آن پدید آمد .

قدیم ترین آثاری که باین زبان در دست است از قرن نهم میلادی است . ولی ناگفته نباید بگذارم که زبان پیش از اسلام بصورت (لهجه محلی مردم) تا همین اواخر بوده مخصوصاً اشعار عامیانه (شعرای خلق) در بیشتر نواحی مخصوصاً در ایالات غربی تا قرون بعد بوده است که معروف ترین آنها ترانه های باباطاهر همدانی از قرن یازدهم هجری است .

در دوره سامانیان ادبیات فارسی باوج رسید . در همان دوره تفسیر معروف هفت جلدی طبری دانشمند ایرانی که بعربی نوشته شده بود بفارسی ترجمه شد .

در اواخر دوره سامانی فردوسی حماسه معروف ایران شاهنامه را در ۶۰ هزار بیت بنظم در آورد .

از اوایل قرن یازدهم میلادی زبان فارسی با حمایت و تشویق سلطان محمود غزنوی رواج و ترقی فوق العاده ای یافت . سلطان محمود خود شاعر بود و شش غزل از شعرهای او امروز در دست است .

در دربار او نزدیک به ۴۰۰ شاعر زندگی میکردند که امروز دیوان بسیاری از آنان مثل عنصری و فرخی و منوچهری در دست است .

محمود قسمتی از ثروتی را که در جنگهای خود بدست می آورد با کمال سخاوت باین شاعران صله میداد و شاعران آن دوره از لطف محمود زندگی مرفه اشراfi داشتند .
مثلاً عنصری ملك الشعرای محمود در ظرفهای طلا و نقره غذا میخورد . خاقانی گوید :

شنیدم که از نقره زد دیکدان ز زرساخت آلات خوان عنصری آنچه برای اروپائیان باعث تعجب است این است که امروز در ایران مردم آثار ۱۲۰۰ سال پیش را بخوبی می فهمند . از نمونه های نثر فنی و متکلف که بگذریم بقیه آثار مخصوصاً اشعار امروز برای مردم کاملاً قابل فهم است .

کثرت آثار ادبی در زبان فارسی نیز شگفت انگیز است . تعداد شاعرانی که امروز آثار آنان را در دست داریم بشماره دقیق بالغ بر ۱۶۳۴۲ نفر است .
از میان این شعرا شش نفر در درجه اول هستند و هفتی ندارند .

اسامی آنان از این قرار است : فردوسی طوسی - مولانا جلال الدین محمد - سعدی شیرازی - حافظ شیرازی - نظامی گنجوی - خیام نیشابوری .

درمورد مقام و ارزش آثار این شش تن همه محققین و شعرشناسان متفق القولند که اینان در درجه اولند . اما از این ۱۶۰۰۰ شاعر بعضیها دیوانهای فراوان دارند. مثلاً از صائب تبریزی ۲۰۰ هزار سطر شعر در دست است . از زبید هندوستانی صد هزار - از مولوی ۷۰ هزار - از فردوسی شصت هزار .

درباره شعر فارسی از سه نظر باید بحث کرد : انواع شعر - موضوعات شعر - سبکهای شعر .

درباره انواع شعر فارسی از مثنوی - قصیده - غزل - رباعی - قطعه - ترجیح بند .

وقت عزیز شمارا نمیگیرم زیرا در ادبیات دیوانی شما نظیر همین انواع بوده و در اینکه هر یک از این نوعها چه خصوصیهائی داشته و هر یک از شعرا در چه نوعی مهارت و شهرت دارند بحثی است که جداگانه باید مورد سخن قرار گیرد .

موضوعهای شعر فارسی

یکی موضوعات حماسی و بیان داستانهای ملی است . مشهورترین اثر حماسی در زبان فارسی شاهنامه است در ۶۰ هزار بیت که فردوسی آن را در اواخر دوره سامانی و بسال ۱۰۰۹ میلادی بیابان رسانید .

این کتاب که بوسیله استاد علامه فقید مرحوم نجانی لوغال رحمة الله علیه بترکی ترجمه شده نه تنها معروفترین اثر فارسی است بلکه بتصدیق دانشمندان یکی از شاهکارهای جاویدان اندیشه بشری است .

شاهنامه علاوه بر اینکه از نظر لغت و گرامر فارسی و کولتور ایران پیش از اسلام سند بی نظیری است از نظر ادبی و درازبایی با معیار علم سخن سنجی کربنیک جدید ارزش و قیمت فوق العاده ای دارد .

این نکته را هم اضافه کنیم که شاهنامه برعکس آنچه ممکن است تصور شود تمامش جنبه تاریخی ندارد . از این حیث آنرا سه قسمت باید تقسیم کرد :

اول - ثلث اول شاهنامه تاریخ آغاز پیدایش بشر و اولین روزهای تکامل تمدن بشری است . از مبارزه با طبیعت ، شناختن آتش ، آغاز پوشیدن لباس ، اختراع خط و غیره . که فردوسی اینهمه را پادشاهان افسانه ای نسبت میدهد .

دوم - افسانه های حماسی از رستم و سهراب و اسفندیار و افراسیاب و غیره . اینها هم تاریخ حقیقی صرف نیست ، بلکه یک قسمت از آنها خاطراتی از دوره ایست که نژاد آریائی یعنی ایرانیان و هندیان قبل از مهاجرت بسرزمین ایران بطور مشترك باهم زندگی میکردند و قسمتی خاطرات دوره اشکانی و سرگذشت امرای آن سلسله است که نام پهلوان پیدا کرده اند . این مسائل در آخرین تحقیقات علمی روشن شده است .

سوم - آخرین قسمت شاهنامه سرگذشت امپراطوران ساسانی است که با متون تاریخی موافقت دارد و تنها بخشی از شاهنامه است که می تواند ارزش تاریخی داشته باشد .

بعد از فردوسی آثار حماسی دیگری بر مبنای تاریخ باستانی ایران بوجود آمده که مشهورترین آنها گرشاسبنامه اسدی و سامنامه خواجهی کرمانی است .

دیگر داستانهای رومان تیک است : این داستانها در روزهای کوتاه و بصورت مثنوی ساخته شده است . موضوع این داستانها گاهی از مآخذ ایران پیش از اسلام اقتباس گردیده مثل ویس و رامین فخرالدین گرجانی و خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی - بهرامنامه نظامی .

گاهی از روایات اسلامی گرفته شده . مثل یوسف و زلیخای جامی - لیلی و مجنون نظامی .

گاهی موضوعات تاریخی دوره اسلامی موضوع نظم قرار گرفته مثل تیمورنامه هاتفی و نادرنامه و غیره .

گاهی نیز تخیل و ابتکار شاعرانه در ساختن و پرداختن موضوع بکار افتاده است .

موضوع دیگر در ادبیات کلاسیک فارسی مدح پادشاهان و امرا و وزیران بوده است .

این شیوه گاهی مورد تنقید و اعتراض قرار گرفته است و گفته اند کمتر جنبه شاعرانه دارد اما غافل نباید بود که همین قصاید مدحی علاوه بر اینکه از نظر زبان فارسی گنجینه نفیسی است در بعضی موارد جلال و شکوه خاصی دارد . از همه مهمتر ارزش تاریخی همین قصاید است .

برای نمونه عرض میکنم که برای تحقیق تاریخ قرون یازدهم و دوازدهم میلادی موثق ترین و مورد اعتمادترین وثیقه های دست اول دیوان های بیست شاعر است که اسامی آنها باین شرح است :

لامعی جرجانی - معزی نیشابوری - ارزقی هروی - رشید وطواط - سید حسن غزنوی - سوزنی سمرقندی - ادیب صابر ترمذی - انوری ایبوردی - قوامی رازی - اثیر اخیسکتی - مجیر بیلقانی - جمال الدین اصفهانی - رفیع الدین اصفهانی - عمادی شهریاری - ظهیر فاریابی - خاقانی شروانی - سیف اسفرنکی - شمس طوسی - رضی الدین نیشابوری - کمال الدین اصفهانی .

کسی که در تاریخ قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی و حوادث قبل از حمله مغول بایران تحقیق میکند ناچار است این دیوانها را مدارک اصلی خود قرار دهد و از آنها بهره برگیرد و با مقایسه آنها با متون تاریخی و اسناد دیگری حقایق تاریخی را بدست آورد .

موضوع مهم دیگر در شعر فارسی عرفان و تصوف است

اشعار عرفانی با سنائی غزنوی و عطار نیشابوری و سوسامان

گرفت و با سحر سخن مولانا جلال‌الدین محمد باوج کمال رسید. بجائی رسید که فکر بشری از وصول بدان عاجز است. در این زمینه دامنه سخن وسیع است و در کشور شما تحقیقات ارزنده زیادی در این باب منتشر گردیده توضیح بیشتری نمیدهم. موضوع دیگر غزلسرائی و اشعار عاشقانه است

غزل فارسی در قرن دهم میلادی با رودکی سمرقندی شروع شد. بهترین غزل عاشقانه مال سعدی و بهترین غزل عارفانه مال حافظ است.

غزل مشهور ترین و پایدارترین نوع شعر فارسی است، که هنوز هم شاعرانی در ایران غزل میگویند منتها با تجدید و تازه گی امروزی.

درباره غزل زیاد بحث نمیکنم زیرا در ادبیات دیوانی شما عالی‌ترین نوع غزل هست و من هر وقت در زندگی بخوام ذوق و حالی بکنم از فارسی غزل‌های سعدی و حافظ را میخوانم و از ترکی غزل‌های ندیم و غزل‌های یحیی کمال را از کتاب (اسکی شعرین روزگار یله).

حالا که موضوع‌های شعر فارسی را باختصار بیان کردم اشاره ای هم بسبک‌های (اسلوب‌های) شعر فارسی بکنیم. در شعر ۱۲۰۰ ساله ایران سه سبک تشخیص داده‌اند:

سبک خراسانی - سبک عراقی - سبک اصفهانی. (البته این نامگذاری بمحل ارتباط ندارد و معنایش این نیست که هر شاعری خراسانی بوده بسبک خراسانی شعر گفته بلکه این سبکها بقرون و عصرها ارتباط دارد).

اسلوب خراسانی، اسلوب شاعران اوایل اسلام است. در این اسلوب هم لفظ و بیان ساده است هم معنی و مضمون. شاعر فکرهای ساده خود را در قالب الفاظ ساده بیان میکند. برای نمونه غزلی از رودکی برای شما میخوانم:

شاد زی با سپاه چشمان شاد

که جهان نیست جز فسانه و باد
ز آمده تنگدل نباید بود

وز گذشته نکرد باید یاد
من و آن جعد موی غالیه بوی

من و آن ماه روی حور نژاد
نیکبخت آن کسی که داد و بخورد

شوربخت آنکه او نخورد و نداد
باد و ابرست این جهان و فسوس

باده پیش آر هر چه بادا بادا
این شعر بقدری ساده است که امروز هم هر ایرانی درس

نخوانده آن را می‌فهمد و از آن لذت می‌برد.

این سبک از قرن نهم تا یازدهم میلادی در ایران رواج داشت. اندک اندک شعرا دنبال صنعت و تکلف رفتند. از تشبیه و استفاده و صنعت‌های بدیعی کمک گرفتند، آیات و احادیث را

وارد شعر کردند، از معلومات علمی خود کمک گرفتند. شعر فارسی متشکل‌تر و پیچیده‌تر شد و اسلوبی بوجود آمد که آن را سبک عراقی نامیدند. چرا سبک عراقی؟ برای اینکه ابتدا شعرای اصفهان و عراق باین سبک شعر گفتند. شعرای دوره سلجوقی تابع این سبکند و معروف‌ترین سمبول و معرف این سبک خاقانی شروانی و کمال‌الدین اصفهانی هستند.

از شعرای سبک عراقی خاقانی می‌خواهد بگوید: عقل در دسر دارد و شراب آدم را از دست عقل راحت میکند. میگوید: بگرفت نفس در گلوی بلبل بس گفت

«ای عقل چه در دسری ای می چه دوائی»
تنگ شراب که آن را بشکل بلبل ساخته‌اند گلوش گرفت
از بس که گفت ای عقل چقدر مایه در دسرهستی وای شراب چه
دوای خوبی هستی.

بنظر من سبک عراقی شاعرانه‌تر است چون صنعت و تخیل و ریزه کاری در آن بیشتر است اما برای درک اینهمه زیبایی‌آشنائی بیشتری با ادبیات فارسی و حتی علوم اسلامی و فرهنگ اسلامی لازم است.

سومین سبک شعر فارسی سبک اصفهانی است و چون این سبک بیشتر در هندوستان معمول بوده آن را سبک هندی هم گفته‌اند.

در این سبک زبان ساده است. اما معنی و مضمون پیچیده است، اغراق شاعرانه زیاد است، گاهی هم از بسیاری پیچیدگی شعر بصورت لغز و معما در می‌آید.

مهمترین شاعر این سبک صائب تبریزی است که در ترکیه هم خیلی مورد توجه بوده و تعداد زیادی از نسخه‌های دیوان او در ترکیه هست و گویا یک نسخه بخط خود او در کتابخانه ایاصوفیا هست. شاعران دیوانی اشعار او را زیاد میخواندند. خاورشناسان که لطف شعر فارسی را درک نمی‌کردند در تشخیص سبک اصفهانی با اشتباه افتاده‌اند و از آن تنقید کرده‌اند و بعضی از نویسندگان ایرانی بدنبال آنها برای اشتباه رفته‌اند ولی حقیقت این است که سبک اصفهانی از نظر شعر نمونه اوج اندیشه و خیال است.

چهارمین سبک در شعر فارسی سبک جدید امروزی است که از آن اندکی مفصل‌تر بحث می‌کنم و نمونه‌هایی میخوانم. ابتدا ببینیم تجدد در ادبیات فارسی از کی و چگونه شروع شد؟

در تجدد ادبی ما (مثل هر کشور شرقی) دو عامل اثر داشت: یکی تماس با مغرب‌زمین و دیگری تجدد حیات اجتماعی.

ریشه و آغاز این دو عامل را باید از سال ۱۸۱۱ جستجو کرد. در آن سال بدنبال جنگ‌های ایران و روس شاهزاده عباس میرزا و ولیعهد ایران عده‌ای دانشجو بلندن فرستاد. دنباله جریان فهرست‌وار چنین است: در ۱۸۲۰ یکی از دانشجویان

بنام میرزا صالح شیرازی اولین کتاب راکه (تاریخ ناپلئون بناپارت) بود بفارسی ترجمه کرد .

در ۱۸۲۴ اولین مطبعه در ایران دائر شد .

در ۱۸۳۸ اولین روزنامه فارسی در ایران منتشر شد و از سال ۱۸۵۱ روزنامه‌های دیگری منتشر گردید .

در ۱۸۵۰ اولین مدرسه جدید که يك نوع اونیورسیتیه بود بنام دارالفنون در تهران افتتاح شد . در این مدرسه عده‌ای از افرادی که قبلاً در اروپا درس خوانده بودند و تعداد آنها به ۳۰ نفر رسیده بود و همچنین عده‌ای از معلمین خارجی درس میدادند .

این اقدامات هر قدر هم بظاهر ناچیز بود اما اثرش را کرد و افکار جدید در ایران رونق گرفت تا در سال ۱۹۰۶ مشروطیت در ایران اعلام شد .

حالا می‌پرسید این مقدمات در ادبیات چه تأثیری کرد و تجدد چگونه آغاز شد ؟

باید عرض کنم تجدد ابتدا در نثر فارسی شروع شد . علتش هم این است که اولاً تجدد در شعر مقدمات عمیق‌تری لازم دارد . ثانیاً شعر فارسی شعر مردم بود و زبان مردم بود و تصنع در آن کم بود . نثر فارسی به اصلاح بیشتری احتیاج داشت بهمین علت آثار تجدد ابتدا در نثر پیدا شد .

درباره نثر فارسی تا اینجا حرفی نزنم . بطور خلاصه عرض کنم که در ادبیات منثور فارسی دوسبک در گذشته معمول بوده است : اول سبک ساده و روان طبیعی که از نمونه‌های خوب آن رساله دستور دبیری است که آقای پرفسور عدنان ارزی جزو انتشارات (الهیات فاکولته سی) منتشر کرده‌اند .

در مقابل این سبک ساده يك سبک دیگری بنام سبک فنی هست که در آن صنعت و تکلف و بازی با الفاظ و صنایع بدیعی هست و یکی از نمونه‌های خوب آن سند بادنامه است که مرحوم پرفسور احمد آتش تحقیق و منتشر کرده‌اند .

در ۱۵۰ سال پیش که بعنوان آغاز تجدد درباره آن بحث میکنم همین سبک فنی در نثر فارسی معمول بود . در آن سالها بهمان دوعلتی که گفتم یعنی آشنائی با ادبیات غربی و تحول حیات اجتماعی در نثر فارسی تجددی ظاهر شد .

نخستین آثار این تجدد در سه زمینه وجود آمد : اول - نوشته‌های دولتی ، دوم - مطالب روزنامه‌ها و سوم ترجمه‌های ادبیات غربی .

در نوشته‌های دولتی ابتداء قائم مقام صدراعظم معروف وقت سبکی ساده و روان و نزدیک بزبان محاوره مردم را در نوشته‌های خود بکاربرد و عبارت‌پردازی و مغلط نویسی را کنار گذاشت و در نثر فارسی شیوه‌ای بوجود آورد که امروز بنام خود مشهور است ، بعد از او امیر کبیر صدراعظم مشهور دیگر و امیر نظام گروسی این شیوه را ادامه دادند .

از طرف دیگر در مطالب روزنامه‌ها که برای خوانندگان عادی نوشته میشد طبعاً سادگی و روانی مورد نظر بود و اندک اندک بهمین روش بنوشته‌های همه اثر کرد .

سومین نمونه‌های سادگی ترجمه‌های کتب غربی بود که طبعاً سبک و شیوه بیان تازه‌ای را نشان میداد .

این عوامل جدید آرام آرام راه خود را ادامه میداد تا بسال ۱۹۰۶ انقلاب مشروطیت در ایران بوجود آمد و تجدد ادبی را در مسیر مشخصی انداخت .

با اعلان مشروطیت عواملی که در تجدد و تحول ادبی مؤثر است ناگهانی قوت گرفت .

افکار جدیدی بمیان آمد .

آزادی فکر و بیان این امکان را فراهم کرد که فکرهای جدیدی بنظم و نثر بیان شود .

مدارس جدید که مثل بوته‌ها و سبزه‌های بهاری با تابش آفتاب فروردین یکی بعد از دیگری سر از خاک در می‌آورد پدیدار شد .

مطبعه و روزنامه و مجله بنعداد کثیری شروع با انتشار کرد . مردم با سواد که روز بروز تعداد آنها بیشتر میشد با شوق و رغبت شروع بخواندن کتب و روزنامه کردند .

تأثیر این عوامل و مقدمات در نظم و نثر باختصار چنین بود : نثر فارسی بیشتر بطرف سادگی میل کرد ، روزنامه‌های فکاهی بزبان عامیانه خلق نوشته شد و مشهورترین آنها روزنامه فکاهی صوراسرافیل بود که مقالات آن تحت عنوان «چرند و پرند» (نوشته مرحوم دهخدا) عالی‌ترین نمونه تجدد ادبی شناخته شد و هنوز هم ارزش خود را حفظ کرده است .

رمانهای آزادیات اروپائی ترجمه شد و رمانهایی نیز بتقلید آنها بفارسی تحریر گردید و از مجموع آنها رمان نویسی جدید در ایران بوجود آمد .

انتقادات سیاسی و اجتماعی که قبلاً ملایم و در پرده بود با خشونت و شدت و بطور علنی رواج یافت و روح تازه‌ای بنوشته‌ها داد .

در شعر روزهای اول تجدد دو نکته بروشنی بچشم میخورد : از نظر موضوع بیان احساسات و وطنی و افکار سیاسی ملی رونق و رواج گرفت . از نظر زبان و الفاظ شعر تجدد مهم این بود که اگر قبلاً شعر بزبان و الای ادبی سروده میشد این بار از زبان عامیانه خلق هم کمک گرفتند مخصوصاً انتقادات اجتماعی و سیاسی بهمین زبان بنظم درآمد و مورد توجه خوانندگان بسیاری قرار گرفت .

درهای تازه‌ای بروی ادبیات ایران باز شده بود . در ادبیات ایران تنوعی بوجود آمده بود اما در آن سالهای اول مشروطیت هیچ شاعر ادبی بوجود نیامد ، زیرا اولاً مقدمات لازم فراهم نبود ، شاعر و نویسنده مایه لازم را نداشتند . ثانیاً

محیط امن و آرامی در کشور وجود نداشت که شاعر و نویسنده فرصت لازم را برای ایجاد آثار ادبی داشته باشند، بعلم ناشی از جنگ اول بین‌المللی و عواقب انقلاب مشروطیت و مسائل دیگر ایران در آتش بی‌نظمی و بی‌آرامی میسوخست.

در سال ۱۹۲۰ رضاشاه کبیر قیام کرد و ایران را از آن وضع ناپسامان نجات داد. ایران در مسیری از تحولات فرهنگی و اجتماعی افتاد که بتواند آثار ادبی مهمی بوجود آورد. در مرحله اول فرهنگ سرعت رو به توسعه نهاد و مدرسه‌ها باز شد و تعداد باسوادان که ابتدا در مقابل گروه انبوه بیسوادان ناچیز بود رو به افزایش نهاد.

از سال ۱۹۲۷ سالیانه صد دانشجو بخرج دولت برای تحصیل رشته‌های مختلف بخارج فرستاده شدند.

در سال ۱۹۳۴ نخستین دانشگاه ایران در تهران تأسیس شد و استادان بزرگ ادبیات از گوشه و کنار در دانشکده ادبیات تهران جمع شدند و در همان سال فرهنگستان ایران برای هدایت جریان‌های ادبی تأسیس شد. هم‌زمان با این اقدامات از یک طرف مجلات و روزنامه‌های ادبی شروع با انتشار کرد و از طرف دیگر چاپ متون کهن نظم و نثر فارسی و ترجمه و نشر شاهکارهای ادبیات جهانی با تشویق دولت افزایش یافت.

در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ مشکلات ناشی از جنگ جهانی دوم بفعالیت‌های فرهنگی ما لطمه زد. اما بعد از پایان جنگ و مخصوصاً در ۱۲ سال اخیر با حمایت شاهنشاه آریامهر همان نسبت که تحولات اجتماعی ما روز بروز سرعت پیش می‌رود ادبیات ما در راه تجدد اصلی سیر میکند.

امروز در هفت دانشگاه کشور ما در تهران - تبریز - اصفهان - شیراز - اهواز دانشکده‌های ادبیات هست و در آنها اصول کلاسیک ادبیات فارسی و شیوه‌های مختلف ادبیات جهانی تدریس میشود.

چاپ کتاب در ایران بسرعت سرسام‌آوری افزایش می‌یابد. برای نمونه عرض میکنم که در پنجاه سال پیش از هر کتاب خود ۵۰۰ جلد چاپ میکردند و تا چندین سال در کتابفروشیها موجود بود. امروز تیراژ بعضی کتابها به ۵۰ هزار تا صد هزار رسیده است.

در سال ۱۹۶۵ طبق آمار ۲۳۵۱ جلد کتاب جدید منتشر شده و این تنها کتبی است که کتابخانه ملی ایران جمع‌آوری کرده است.

دانشگاه تهران در بیست سال اخیر ۱۱۰۰ جلد کتاب منتشر کرده و این غیر از انتشارات سایر دانشگاهها و وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش فعلی) است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب که در سال ۱۹۵۴ با عطیه شاهنشاه آریامهر بنیاد شده تاکنون ۱۹۶ جلد کتاب از متون فارسی و ترجمه‌های خارجی در ۱۰ رشته مختلف منتشر کرده است.

از ۱۹۵۳ همه ساله مقارن با جشن نوروز (که آغاز سال ایرانی است) مؤلفین بهترین کتابها در رشته‌های مختلف بتشخیص هیئتی از داوران از شاهنشاه جایزه میگیرند و تاکنون ۹۴ مؤلف بابت ۹۶ کتاب جایزه گرفته‌اند.

در سپتامبر ۱۹۶۵ کتابخانه پهلوی بریاست عالییه شاهنشاه در تهران تشکیل شد.

علاوه بر آنچه گفتیم و نشانه حمایت دولت از فرهنگ و مایه ترویج ادبیات است، تحول و وضع اجتماع نیز امکان تجدد در ادبیات را فراهم میکند.

امروز علاوه بر توسعه و کثرت مدارس در چهار سال اخیر سپاه دانش علم و معرفت را تا دورترین روستاها برده و بیسوادی را از بین میبرد و دانش را تعمیم میدهد.

کشف حجاب نیمی از مردم ایران را که در گذشته حساب جدائی داشتند در سر نوشت اجتماع شرکت کرده و علاوه بر تأثیری که این مسئله در موضوعات ادبی دارد امروز تعداد زیادی بانوان شاعر و نویسنده در ایران هستند که در یک کتاب مخصوص شرح حال آنها منتشر شده است و چندین مجله مخصوص زنان منتشر میشود.

بهبود وضع زندگی اکثریت مردم و کارگر و دهقان توأم با باسواد شدن آنان این نتیجه مهم علمی را دارد که اگر صد سال پیش آثار ادبی را فقط برای معدودی رجال دانشمند می‌نوشتند، امروز آثار ادبی برای میلیونها افراد مختلف مملکت نوشته میشود و از همه حیث باید مورد علاقه و رغبت آنان تهیه شود.

* * *

اکنون که عوامل تجدد را گفتم نتیجه کار را بگویم: در نثر فارسی شیوه‌های جدیدی بوجود آمده، نمایشنامه‌ها، سناریوهای فیلم، روزنامه‌های فکاهی که امروز مورد علاقه و رغبت شدید مردم ایران است در ادبیات گذشته ایران سابقه نداشته است.

رمان‌نویسی جدید فارسی بشیوه مغرب‌زمین اینک در ادبیات فارسی جای مهمی دارد. در اینجا از سه نویسنده نام می‌برد:

اول محمد علی جمالزاده پیشرو سبک نویسنده‌گی بسبک مغرب‌زمین است او در حکایات کوتاه خود معایب اجتماعی را تنقید می‌کند، زبانش زبان عامیانه خلق اما با رعایت اصول ادبی است. چندین اثر جمالزاده جزو انتشارات یونسکو بزبانهای اروپائی ترجمه شده است.

دوم محمد حجازی در رمانها و حکایات کوتاه خود مسائل مختلف اجتماعی را بزبان ساده ادبی بیان میکند در آثار او روح عرفان شرقی اما در قالب بیان اروپائی جلوه‌گر است. آثار حجازی پر خواننده‌ترین کتب فارسی است و در این ماه

بیست و دومین چاپ یکی از کتابهای او بنام آئینه انتشار یافت .
علی دشتی روزنامه‌نویس قدیمی رومانهای خود را بشیوه
(پسیکالیز) فروید می‌نویسد .

در اینجا از مرحوم یوسف اعتصامی هم باید نام ببرم که
در چهل سال پیش با ترجمه اشعاری از توفیق فکرت و حکایاتی
از خالد ضیاء ادبیات جدید ترکی را بایرانیان معرفی کرد .
البته رمانهای خالد ادیب دیوان اشعار یحیی کمال و عبدالحق
حامد و نامق کمال را مترجمین دیگری ترجمه کرده‌اند و مورد
توجه خاص ایرانیان قرار گرفته است .

فهرست اسامی محققین و علمائی که در ادبیات و تاریخ
ایران آثار مهمی بوجود آورده‌اند از این قرار است :

۱- علی اکبر دهخدا - مؤلف امثال و حکم فارسی
و دائرةالمعارف لغت‌نامه . از این کتاب تاکنون ۱۱۰ فاسیکول
در ۱۴ هزار صفحه بزرگ سه ستونی چاپ شده و مجموع آن
سی هزار صفحه خواهد بود که تا سه سال دیگر چاپ آن بوسیله
دانشکده ادبیات تهران تمام میشود .

۲- مرحوم محمد قزوینی - ناشر جهانگشا و مرزبان‌نامه
و یادداشتها .

۳- عباس اقبال - تاریخ مغول .

۴- ملک الشعراى بهار - سبک‌شناسی .

۵- مشیرالدوله - تاریخ ایران باستان .

۶- احمد کسروی - تاریخ مشروطه ایران و کتب
تاریخی دیگر .

۷- دکتر قاسم غنی سفیر سابق ما در آنکارا - تاریخ
تصوف .

۸- محمد علی فروغی نخست‌وزیر مشهور و سفیر سابق
ما در آنکارا - کلیات آثار سعدی .

۹- علی اصغر حکمت - ناشر تفسیر معروف کشف الاسرار
در ۱۰ جلد .

۱۰- پورداد - مترجم اوستا و مؤلف کتب بسیاری
درباره پیش از اسلام .

۱۱- سید حسن تقی‌زاده - مؤلف کتاب معروفی درباره
مانی و تقویمهای پیش از اسلام .

۱۲- بدیع‌الزمان فروزانفر - ناشر دیوان کبیر مولانا
وفیه مافیه و معارف برهان محقق ترمذی و معارف اولاد و مؤلف
شرح حال مولانا .

شعر جدید فارسی

حالا رسیدیم با آخرین قسمت موضوع :

با مقدماتی که عرض کردم سعی کردم این مطلب را برسانم

که محیط شاعر امروزی عوض شده است پس باید ادبیات هم
عوض شود .

باین نکته هم که عامل اساسی در تجدید شعراست باید
توجه کرد :

مثلاً وقتی که خاقانی در قرن دوازدهم قصیده میگفت
خوانندگان شعر او کم بودند اما همه عالم بودند و علوم عصر
خود و فرهنگ اسلامی را خوب میدانستند و ریزه کاریهای
شاعر را درک میکردند و قدر و ارزش آن را میدانستند . اما
اکنون تعداد خواننده شعر بمیلیونها رسیده اما سطح معلومات
آنان مخصوصاً درباره علوم ادبی بیپایه معاصران خاقانی نیست .
پس شاعر امروز طبعاً ساده‌تر شعر میگوید .

درباره زندگی و معاش شاعر و روابط او و شعر او با خواننده
سه مرحله و سه شق بترتیب وجود داشته :

اول - در دوره‌های قدیم زندگی شاعر را ممدوح تأمین
میکرد ، شاعر در اعیاد و فتحها و غیره قصیده‌ای در مدح امیر
میگفت و امیر زندگی او را تأمین میکرد .

دوم - از انقلاب مشروطیت بعد شاعری و نویسندگی
از صورت شغل و ناندانی درآمد . شاعر و نویسنده شغلی داشت
و ضمناً شعر هم میگفت یا کتابی می‌نوشت .

سوم - الان با افزایش باسوادان اندک اندک این وضع
پیش آمده که بتوان از راه قلم نان خورد و زندگی کرد . در ایران
امروز نویسندگان بسیاری هستند که از راه فروش آثار خود
زندگی مرفهی دارند . اما هنوز شاعری باین پایه نرسیده
و نمیدانم روزی خواهد رسید یا نه ؟

موضوع تجدید ادبی در چهل سال اخیر در ایران مورد
بحثهای زیادی قرار گرفته است .

یک عده تندرو و بتقلید ادبیات غربی طرفدار شعر سپید
یا شعر آزاد (بیوزن و قافیه) بودند ، در مقابل عده‌ای معتقد
به حفظ سبکهای ادبی کلاسیک بودند ، بعد از بحثهایی که سالیان
دراز جریان داشت امروز تقریباً راه روشن شده است ، مردم
و خوانندگان شعر قضاوت نهائی را کرده‌اند .

خلاصه اینکه شعر خوب و مورد قبول امروز این است که
شاعر با دید امروزی احساسات انسان امروز و ایرانی امروز را
بیان کند ولی وزن و قافیه برجای بماند . البته بعضی جوانها
هنوز قطعات بیوزن و قافیه‌ای بنام شعر آزاد در بعضی مجموعه‌ها
منتشر می‌کنند اما افکار عمومی آن را بصورت شعر اصیل جدی
تلقی نمی‌کند .

زبان شاعر امروز ساده و روان است - شعر خوب آن را
می‌شناسند که ادیبان به‌پسندند و لطف و اصالت شعری در آن
تشخیص دهند اما مردم عادی نیز آن را بفهمند و از آن لذت
برند .